

بیانیه جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

جنبش مردم ما نیز پیروز خواهد شد!

یک سال و نیم از جنبش اجتماعی فراگیری که در اعتراض به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری در خرداد 88 آغاز شد و طی شش ماه در شکل تظاهرات و اعتراضات خیابانی ادامه پیدا کرد می گذرد. این جنبش تحت شدیدترین اشکال سرکوب قرار گرفت. نارضایتی ها و بی عدالتی ها در جامعه رو به فزونی نهاد. بحران اقتصادی و سیاسی تشدید شد و ماجراجویی اتمی حاکمان ایران بر وخامت اوضاع کشور افزود.

بمناسبت چهارمین گردهمایی سراسری، جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران وظیفه خود می داند که جنبش برای آزادی و دمکراسی در ایران، جنبش سبز را مورد باز نگری قرار داده و با بررسی شرایط کنونی مواضع خود را با مردم ایران، فعالان سیاسی و جنبش های اجتماعی در میان گذارد.

جنبش سبز به مثابه جنبشی کثرت گرا و چند صدائی، نقطه عطفی را در تاریخ سی ساله جمهوری اسلامی ایران ترسیم می کند. به پشتوانه این جنبش زمینه های ذهنی و عینی تغییرات در جامعه ایران بیش از گذشته فراهم شده اند. تغییراتی که در صورت آماده شدن شرایط لازم دیگر می توانند فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی ایران را به همراه آورند.

ویژگی های ممتاز و منحصر بفرد این جنبش کدامند؟

۱) جنبش، برای نخستین بار در حیات جمهوری اسلامی، قشر های اجتماعی مختلف بویژه قشرهای متوسط شهری را در ابعادی وسیع و میلیونی در اعتراض به نتایج انتخابات و سپس در اعلام "نه به دیکتاتوری" و "آری به آزادی" به خیابان ها و میدان ها کشانید، همراه، همبسته و جسور کرد.

۲) این جنبش با طرح شعار "رای من کجاست؟" خواستی دمکراتیک را در انظار جهانی مطرح ساخت و در مقیاس ملی آنرا به جنبشی برای دمکراسی و آزادی و علیه استبداد دینی فرا رویاند.

۳) این جنبش توانست در ذهنیت و فرهنگ اجتماعی - سیاسی شهروندی

ایرانیان ارزش‌هایی را مستحکم کند: نفی استبداد و دیکتاتوری، انتخابات آزاد و دمکراتیک، کثرت‌گرایی، حقوق بشر، نفی خشونت، آزادی‌های مدنی، حقوق برابر شهروندان مستقل از جنسیت، دین، قومیت و عقیده. اینها همه عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ دمکراسی و مدرنیته‌اند که با جنبش مردم در جامعه ایران رشد و توسعه می‌یابند. افزون بر این، در میان بخش‌های بزرگی از جامعه تحصیل‌کرده و شهری، روشنفکران و فعالان جنبش‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی ... نفی و نقد دین‌سالاری، رد ولایت فقیه و ضرورت جدائی دولت و دین به یکی از ارزش‌های عقیدتی تبدیل می‌شوند.

۴) در این جنبش، بطور عمده بخشی از دو گروه عظیم اجتماعی یعنی زنان و جوانان، به مصاف با رژیم کثاندن شدند. زنانی که در جمهوری اسلامی بیش از همه تحت ستم تبعیض دینی قرار دارند و جوانان که در چنین رژیمی از عدم آزادی، بیکاری و ناروشتی آینده رنج می‌برند. در این جنبش، بخش بزرگی از اقشار متوسط شهری، دانشجویان، روشنفکران و هنرمندان به حرکتی جمعی، سیاسی و اجتماعی روی آوردند.

۵) در جریان این جنبش به نسبتی که در طول حیات جمهوری اسلامی کمتر سابقه داشته است، بخشی از نظام شامل اصلاح‌طلبان حکومتی، بخشی از روحانیون، روشنفکران دینی طرفدار رژیم، و بخشی از تکنوکرات‌ها و مدیران، از درون حکومت و دایره خودی‌ها بیرون رانده شدند. این نیروهای اصلاح‌طلب خواهان اصلاحاتی در مدیریت جامعه هستند در عین حال که می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را حفظ کنند. نظامی که سه دهه پیش با قانون اساسی اسلامی مستقر شد و در دوران حکومت همین اصلاح‌طلبان همواره رو در روی مردم معترض قرار گرفت. بدین ترتیب، جنبش اعتراضی ۸۸ شکافی بزرگ و ژرفش یا بته در دستگاه سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی بوجود آورد شکافی که می‌تواند به تضعیف بیش از پیش حاکمان کنونی در ادامه سلطه و حکومتشان بیانجامد.

ضعف‌ها و کاستی‌های چندی توان جنبش اعتراضی را محدود می‌کنند که از آن جمله‌اند:

سازمان نیافتگی جنبش، حضور ضعیف تشکل‌های مدنی، پایه اجتماعی محدود جنبش سبز بخاطر عدم پشتیبانی گسترده کارگران و تهیدستان جامعه، و عدم طرح روشن شعارها و خواسته‌های مربوط به عدالت اجتماعی. اما عوامل دیگری نیز نقش داشتند که میان آنها به دومورد

مهم زیر می توان اشاره کرد.

یکی، سیاست اپوزیسیون اصلاح طلب داخل کشور است که بنا بر ماهیت محافظه کارانه اش خواهان حفظ نظام موجود و حتی بازگشت به دوران اولیه جمهوری اسلامی یعنی به سیاه ترین دوره این رژیم است. چنین سیاست و دور نمائی بدون شک بخشی از مردم را تشویق به مبارزه ، مقاومت، از خود گذشتگی در راهی که سرانجام آن ناروشن باشد نخواهد کرد.

دومین عامل ضعف ساختاری اپوزیسیون آزادی خواه، دمکرات و طرفدار جدائی دولت و دین در داخل کشور است. آن بخش از اپوزیسیون که در خارج از کشور و در تبعید بسر می برد، نیز فاقد تاثیر گذاری کافی در درون جامعه ایران است. افزون بر این، این اپوزیسیون تا کنون موفق به سازماندهی همکاری ها و هم کوشی های لازم و در خور اوضاع و شرایط با حفظ تنوعات و اختلافات خود نشده است.

شرایط کنونی و مواضع ما

امروز رژیم با اتکا به ولایت فقیه ، نیروهای امنیتی و دستگاه نظامی - اقتصادی پاسداران و بقایای پایه های اجتماعی خود، سیاست سرکوب، دستگیری، زندان ، شکنجه و اعدام را به شدیدترین وجهی ادامه می دهد.

در اثر جنبش چند صدائی سبز و تشدید اختلافات و مناقشات درونی رژیم، بحران سیاسی حادی نظام را فرا گرفته است. اختلاف ها و تضاد ها در درون حکومت میان بیت ولی فقیه، دولت احمدی نژاد، نهادهائی چون سپاه، مجاس اسلامی و روحانیت و در درون هر یک از این دستگاه ها بالا گرفته اند. در گذشته نیز اختلافات در درون وجود داشته اند اما این بار بحران سیاسی بر سر مدیریت و وضع نا بهنجار و پیچیده کنونی باز هم شدیدتر شده است بطوری که می تواند شکاف های ژرفتری در سطح حاکمیت ایجاد کند. از سوی دیگر در میان رهبران اصلاح طلب نیز بر سر مدیریت وضعیتی که در آن قرار گرفته اند اختلافاتی بروز می کنند. اینان از یک سو از بالا زیر ضرب سرکوب، دستگیری و احتمالاً حذف فیزیکی قرار دارند و از سوی دیگر از پائین تحت فشار فعالانی می باشند که مواضع قاطع تر و مصمم تر نسبت به نظام جمهوری اسلامی دارند.

در اثر سیاست های رژیم و ادامه ی ماجراجویی هایی که به انزوای کشور و سقوط مناسبات متعارف اقتصادی ایران با جهان انجامیده است،

اقتصاد ایران با نابهنجاری های فراوانی مواجه می باشد. بیکاری، گرانی و تورم به کاهش روزافزون قدرت خرید مردم منجر شده است و در نتیجه فقر عمومی را فزونی بخشیده اند. کارخانه ها و مراکز صنعتی تعطیل شده و حقوق ها پراخت نمی شوند. در نتیجه اکثریتی از مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان و اقشار تهیدست در تنگناهای شدید گذران زندگی بسر می برند. با به اجرا درآمدن طرح یارانه ها یا حذف سوبسیدها، بازهم از قدرت خرید مردم بویژه اقشار کم درآمد کاسته خواهد شد. ناروشنی وضع آینده کشور به افت تولیدات در حوزه صنایع انجامیده است. اقتصاد ایران بیش از پیش بیمار و متکی به رانت نفتی شده است. که مورد بهره برداری مافیای دولتی و نظامی قرار می گیرد.

شرایط بحرانی ملی و جهانی می توانند برانگیزنده ی جنبش های بزرگتر و رادیکاتری در ایران شوند.

در این میان، دیدگاه، مواضع و مطالبات ما در جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران بدین قرارند:

۱) در شرایط کنونی، اپوزیسیون دمکرات، جمهوری خواه دمکرات و لائیک می بایست همچنان و بیش از گذشته بر بنیادها، اصول و اهداف مبارزه ایستادگی و پافشاری کند. اینها عبارتند از: مبارزه برای آزادی های مدنی در ایران، مبارزه برای رشد و گسترش جنبش های اجتماعی - سیاسی و پشتیبانی از این جنبش ها، دفاع از حقوق بشر و میثاق های بین المللی، ترویج اصول دمکراسی و توضیح مضمون بدیل جمهوری مورد نظر ما که مبتنی بر دمکراسی، لائیسیت، عدالت اجتماعی، برابرحقوقی و استقلال است.

۲) در شرایطی که قشرهای وسیعی از شهروندان ایران بیش از پیش روی به افکار و ایده های مدرنیته و از جمله جدائی دولت و دین می آورند، نیروهای جمهوری خواه و لائیک وظیفه خود می دانند که به تبلیغ و ترویج این افکار و ایده ها و ضرورت تحقق آن ها در ایران بپردازند و دیالوگ اجتماعی پیرامون این مضامین را با نیروهای فکری، سیاسی دیگر، دامن زنند. لائیسیت ترجمان عالی، شفاف، بدون شبهه و ابهام معنای جدائی دولت و دین و استقلا قوای مجریه، مقننه و قضائی و نهاد های دولتی و آموزشی از دین، احکام و دستگاه آن یعنی از شریعت و روحانیت است.

۳) امروز بخشی از اپوزیسیون و بیش از همه در خارج از

کشور از انتخابات آزاد چون شعاری اصلی، راهکاری و تعیین کننده نام می برد .

اصل انتخابات آزاد و دمکراتیک به عنوان یکی از ارکان بنیادین جمهوری و دمکراسی در برابر استبداد و تئوکراسی همواره مورد تاکید فرار گرفته و می گیرد. انتخابات آزاد یکی از مطالبات اصلی شهروندانی بود که در جنبش اعتراضی در ایران خواهان پایان دادن به دیکتاتوری و استقرار آزادی های مدنی در ایران شدند. اما در جمهوری اسلامی ایران انتخابات تحت قوانینی سرپا تبعیض آمیز انجام می پذیرد که پایه ای ترین آن ها قانون اساسی اسلامی است. انتخابات در ایران در شرایطی می تواند آزاد باشد که از یک سو قوانین جمهوری اسلامی از جمله پایه ای ترین آن ها یعنی قانون اساسی نتوانند در کشور به مورد اجرا در آیند و از سویی دیگر شرایطی چون آزادی های مدنی، آزادی بیان، مطبوعات، تشکل و حزب و هم چنین حقوق و امکانات برابر برای همه سازمان ها و گروهها برای شرکت در انتخاباتی آزاد، دمکراتیک ، بدون تبعیض و مستقل از نفوذ دستگاه های دولتی، نظامی، امنیتی و دینی فراهم باشند.

۴) خیزش مردم در کشور های تونس و مصر تجربیات ارزشمندی در بر دارند.

در تجربه تونس تظاهرات خیابانی و اعتصابات وسیع مردم، قهر و خشونت نیروهای سرکوبگر را خنثی کرد و در تداوم خود، منجر به تجزیه این نیروها گردید. انقلاب تونس با کسب این پیروزی بزرگ اکنون در مسیر برچیدن نظام بجا مانده از دیکتاتورو برگزاری انتخابات آزاد گام بر میدارد. انقلاب مسالمت آمیز مردم مصر نیز گسترش یافت. قدرت دولتی قادر به سرکوب و فرونشاندن جنبش مردم نشد و حسنی مبارک مجبور به استعفا گردید. تردیدی نیست که شرایط سیاسی در این دو کشور عربی در مقایسه با کشور ما بسیار متفاوت است اما درس های انقلاب در هر دو کشور به ما می آموزد که دیکتاتوری های ولو نیرومند در برابر مقاومت و پایداری مردم سرانجام به زانو در آمده و با تغییر تعادل قوا ناچار به عقب نشینی میشوند. این امر منبع الهام بخشی برای مردم ایران در مبارزه علیه دیکتاتوری ولایت فقیه است.

ترازنامه و راه کارها

مصوبه نشست چهارم جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران ۱۳ فوریه ۲۰۱۱

شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۹ - ۱۹ مارس ۲۰۱۱
شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران حول وظیفه های مشخص در نشست عمومی انتخاب می شود.
گروه های کار عبارتند از: سیاسی، ارتباطات، و سایت.
مسئولین گروه های کار، شورای هماهنگی منتخب در گردهمایی را تشکیل می دهند.

شورای هماهنگی توسط نمایندگان منتخب واحد های محلی تکمیل شده و در گروه های کاری بر حسب علایق و توانمندی هایشان سازماندهی میشوند.

گروه ها توسط همراهان داوطلب تکمیل میشوند.
گروه های کار ترجیحا در گردهمایی تشکیل میشوند.
تبصره ۱- اگر مسئول یک گروه کار نتوانست گروه خود را تشکیل دهد مسئولیت این گروه بعهده شورای هماهنگی خواهد بود.
تبصره ۲- نخستین مسئولیت شورای هماهنگی تدوین و تصویب آیین نامه داخلی خود است.

تبصره ۳- تعداد اعضا شورای هماهنگی منتخب در نشست عمومی، سه نفر اصلی و دو نفر علی البدال می باشد.

تبصره ۴- شورای هماهنگی پیشنهاد تغییرات در اساسنامه را برای طرح در نشست عمومی تنظیم خواهد کرد .

تبصره ۵- ندای آزادی تارنمای جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران است و گروه کار سایت پروژه عملیاتی خود را به شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران برای طرح و تصویب ارائه خواهد داد .

همبستگی با خیزش و انقلاب مردم

برای عدالت و دموکراسی در منطقه

همبستگی با خیزش و انقلاب مردم برای عدالت و دموکراسی در منطقه

(۱) خیزش و انقلاب مسالمت آمیز مردم در تونس و مصر علیه دیکتاتوری های حاکم و برای نان و آزادی و سرایت آن به دیگر کشورهای منطقه، نشان گر گسترش گفتمان دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی و برجیده شدن نظام های دیکتاتوری در منطقه است.

(۲) این تحولات که در ادامه خیزش میلیونی مردم ایران در پی تقلب انتخاباتی، که به "جنبش سبز" شهرت یافت و سرکوب شد، پیش از همه نشانگر جهانی شدن ارزش های حقوق بشر و دموکراتیکی است که به یاری شبکه های اینترنتی و گسترش رسانه های ماهواره ای به ویژه نسل جوان را به برجیدن دولت های مستبد در منطقه برانگیخته است.

(۳) بسیاری از کشورهای غربی همواره خطر بنیاد گرایی اسلامی و تجربه حکومت های اسلامی ایران و افغانستان را بهانه نادیده گرفتن خواست های مردم و توجیه پشتیبانی خود از تداوم رژیم های دیکتاتوری در منطقه قرار داده اند. تحولات تونس و مصر اما نشان داد بجای تمکین به دولت های فاسد و دیکتاتور مورد حمایت غرب و یا همراهی با اسلام گرایی سیاسی راه سومی هم وجود دارد. انقلاب های مردمی در مصر و تونس نشان دادند آن جا که زنان، جنبش های کارگری، نیروهای دموکرات و باورمند به جدایی دین و دولت و طرفداران حاکمیت آزاد و مستقل مردم حضوری قدرتمند در صحنه می یابند، میتوانند ضمن چالش حکومت های مستبد، سدی در برابر مصادره این خیزش ها توسط گروه های اسلام گرا و یا دیگر نیروهای اقتدارگرا گردند.

(۴) تاکیدات دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران بر اسلامی خواندن تحولات تونس و مصر می تواند تردید در حمایت از این خیزش ها را در میان طرفداران دموکراسی و جدایی دین و دولت دامن زند. حال آن که هردو دولت بیشتر نگران پیامد این خیزش ها در کشورهای خود می باشند. دولت اسرائیل نگران آن است با برهم خوردن ثبات منطقه، از دست دادن رژیم های دوست خود و رشد دموکراسی در منطقه، فشار برای به عقب راندن گرایشات افراطی در کشور و برسمیت شناختن حقوق مردم فلسطین افزایش یابد. جمهوری اسلامی ایران نیز نگران آن است که تحولات دموکراتیک در منطقه در افزایش اعتماد به نفس مردم ایران و اراده و میل شان به برجیدن استبداد دینی و نظام ولایت وفقیه موثر

افتد. واکنش تند جمهوری اسلامی ایران علیه فراخوان به حضور مردم برای همبستگی با خیزش و انقلاب تونس و مصر در دوشنبه ۲۵ بهمن در خیابان های تهران گواه نگرانی واقعی رژیم از پیامد این خیزش ها و سرایت آن به ایران است. به ویژه آن که افزایش ناراضایتی های اقتصادی و سیاسی در پی گسترش سرکوب و اعدام و سیاست های ویرانگر دولت احمدی نژاد، زمینه شکل گیری خیزش های نوین در کشور را افزایش داده است.

۵) جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ضمن پشتیبانی از این خیزش ها در منطقه و در ایران توجه تمام مردم آزادیخواه را به تجربیات انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران و فرجام دراماتیک آن جلب کرده و بر آن است بدون تغییرات ساختاری، برگزاری انتخابات آزاد، رفع تبعیض و تاکید بر حقوق بشر، جدایی دین از دولت و دست رد زدن به هر نوع اسلام گرایی، فرایند دمکراتیک می توانند عقیم مانده و به شکست انجامد.

قطعنامه در مورد بحران هسته ای

1) شورای امنیت سازمان ملل متحد در خرداد ماه سال جاری چهارمین قطعنامه خود را در رابطه با بحران هسته ای ایران به تصویب رساند که در آن ضمن تاکید بر حق ایران به دست یابی به فن آوری صلح آمیز اتمی، جمهوری اسلامی را بدلیل بی اعتنائی به قطعنامه های پیشین شورای امنیت محکوم کرده و سپاه پاسداران و شرکتهای وابسته به آن را بمثابه نیروی هدایت کننده برنامه هسته ای، مورد تحریم های نظامی و اقتصادی قرار داده است. بدنبال تحریم های سازمان ملل، تحریم های مضاعفی نیز از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، کانادا و استرالیا در عرصه های مختلف اقتصادی از جمله در صنایع نفت و گاز ایران اعمال شده است. ماجراجویی جمهوری اسلامی ایران که حاضر به هیچ عقب نشینی از مواضع خود در مذاکرات هسته ای نیست، تنش های بین المللی و منطقه ای را در زمینه سیاست هسته ای ایران افزایش داده است.

2) تحریم های بین المللی و افزایش تنش های فوق در شرایطی شدت

گرفته است که شکاف بین مردم و رژیم پس از سرکوب جنبش اعتراضی 22 خرداد عمیق تر شده و به انزوای سیاسی رژیم ابعاد وسیع تری بخشیده است. شعار های مردم در جنبش سبز علیه سیاست خارجی ماجراجویانه رژیم نشانگر گسترش مخالفت مردم با این سیاست هاست. در افکار عمومی جامعه مسئولیت این تحریم های فزاینده که بار عمده آن بر دوش مردم سنگینی می کند، متوجه باند خامنه ای - احمدی نژاد و مافیای حاکم بر کشور است که با اختصاص بخش بزرگی از درآمدهای حاصله از نفت به برنامه اتمی، حمایت مالی و نظامی از بنیادگرایان اسلامی در منطقه، انکار هلوکاست و تکرار شعار نابودی اسرائیل، ایران را پیش از پیش منزوی کرده و آنرا با خطرات جدی روبرو می سازد.

3) هدف سیاست هسته ای رژیم، تبدیل شدن به یک قدرت اتمی در منطقه است. تمام مانورهای جمهوری اسلامی در مذاکراتش با کشورهای 1 + 5 در این جهت قرار دارد. در داخل کشور نیز لازمه پیشبرد این سرپوش نهادن بر اختلافات میان خودی ها و خصوصا محافل اصلاح طلب در جهت پذیرش اوامر ولی فقیه و یا حتی التزام به حکم حکومتی است. این تاکتیک خامنه ای اگرچه در پاره ای از اصلاح طلبان تمایل به آشتی ملی علیه تهدید خارجی را برانگیخته است، لیکن با مقاومت موسوی و کروبی و غالب اصلاح طلبان زندانی روبرو گردیده است. با این وجود، عدم مرز بندی موسوی و کروبی با اساس سیاست اتمی رژیم، محکوم کردن کلیه تحریم های بین المللی و خصوصا پافشاری بر غنی سازی از سوی آنان (در شرایطی که این امر حتی از لحاظ اقتصادی هم برای ایران مقرون به صرفه نیست) عملا بخشی از جنبش سبز را در برابر رژیم خلع سلاح نموده و به اعتبار بین المللی این جنبش آسیب می رساند.

4) استراتژی آمریکا و غرب، جلوگیری از دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای است. حمله نظامی به ایران یا دستیابی رژیم به سلاح هسته ای، آلترناتیو هائی هستند که نمی توانند جز به تخریب و کشتار، خانه خرابی مردم، تقویت استبداد و سرکوب نیرو های ترقی خواه و دمکرات کشور منجر شوند. برعکس وادار کردن رژیم به نوشیدن جام زهر و پذیرش توقف غنی سازی اورانیوم و عقب نشینی در بحران هسته ای به تحریم های بین المللی پایان داده و موجب تضعیف رژیم، تشدید تضاد های درونی آن، محدود شدن امکانات سرکوب و در نتیجه فراهم شدن شرایط گسترش جنبش دمکراتیک مردم می گردد. گرچه مبارزه مردم می تواند در تعیین این سیاست نقش تعیین کننده ای بیابد اما فشار جامعه بین المللی نیز در به عقب راندن جمهوری اسلامی موثر است. بعلاوه رژیم بدون کمک شرکت های خارجی و واردات تکنولوژی هسته ای و تسلیحات مربوطه، که درصد بالائی از بودجه کشور را تشکیل می

دهد قادر به غنی سازی اروانیم و دست یابی به سلاح هسته ای نیست.

5) از این رو ما از مبارزات مردم ایران علیه ماجراجوئی هسته ای جمهوری اسلامی و افزایش فشار های بین المللی در جهت شفاف سازی سیاست هسته ای و توقف غنی سازی و حل بحران هسته ای ایران حمایت می کنیم. از جمله این فشار ها تحریم های نظامی، تحریم تکنولوژی هسته ای و تحریم سیاسی مقامات جمهوری اسلامی ایران است. ما خواهان آنیم که در مذاکرات هسته ای حقوق بشر قربانی نشود.

6) چهارمین گردهمائی سراسری جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ضمن رد هرگونه راه حل نظامی و تحریم های گسترده اقتصادی که زندگی روزمره مردم را فلج می سازد، و ضمن تاکید بر خواست توقف غنی سازی یادآور میشود که ما در راه تحقق خاورمیانه ای عاری از سلاح هسته ای مبارزه می کنیم. علاوه بر آن گردهمایی چهارم بر سیاست جمهوری خواهان دمکرات و لائیک در زمینه استفاده از انرژی هسته ای که در گردهمایی دوم تصویب شد تاکید می ورزد.

منشور جدائی دین و دولت در ایران

... و از آنجا که آماج آزادیخواهی مردم ایران برچیدن بساط ولایت فقیه و استبداد مذهبی در هم اشکال آن در ایران است؛

پیشنهاد میشود که ج.ج.د.ل.ا. پیشقدم شوند و با دعوت از هم نیروهای جمهوریخواه، که جدائی دین و دولت را شرط برقراری و پایداری دموکراسی و کثرت گرائی در ایران آینده میدانند، از راه همفکری با یکدیگر و گشودن باب بحث و گفت و شنود در این باره، دست به تدوین منشور جدائی دین و دولت در ایران بزنند...

منشور جدائی دین و دولت در ایران

از آنجا که تنش دیرپا میان قدرت سیاسی و دستگاه دینی در ایران از

جمله معضلات عمدی اجتماعی و سیاسی آیند کشور به شمار می رود؛

از آنجا که سیطره بیش از سه دهه استبداد دینی، ابعاد تازه و بیسابقه ای بر این تنش تاریخی افزوده است؛

از آنجا که گفتار ایده نو لوژیک مسلط و انحصارطلب، بر تبعیض مذهبی و جنسی استوار است و می کوشد به هر وسیله ای این تبعیض را در هم عرصه های زندگی اجتماعی نهادینه کند؛

از آنجا که تجربه مصیبت بار حکومت مذهبی پس از انقلاب و بن بست های آشکار آن در ادار کشور، ناسازگاری ذاتی آنرا با اید جمهوری و دموکراسی بیش از پیش عیان ساخته است؛

و نیز با توجه به تحولات فکری که شکست این تجربه در میان اندیشمندان دینی به وجود آورده است و زمین مناظره ای تاریخی میان دین باوران و نیروهای لائیک و سکولار را فراهم آورده است؛

و از آنجا که آماج آزادیخواهی مردم ایران برچیدن بساط ولایت فقیه و استبداد مذهبی در هم اشکال آن در ایران است؛

پیشنهاد می شود که ج.ج.د.ل.ا. پیشقدم شود و با دعوت از هم نیروهای جمهوریخواه، که جدائی دین و دولت را شرط برقراری و پایداری دموکراسی و کثرت گرائی در ایران آینده می دانند، از راه همفکری با یکدیگر و گشودن باب بحث و گفت و شنود در این باره، دست به تدوین منشور جدائی دین و دولت در ایران بزنند.

این منشور از یکسو جایگاه تأملات و هم اندیشی نیروها و صاحب نظران لائیک و سکولار است در بار آمیزش دین و قدرت سیاسی در ایران در عرصه نظری و ضرورت واگشائی این پرسش در پی چیرگی اصحاب دین بر ایران و از سوی دیگر پیمانی است میان آزادیخواهان برای پی ریختن فردائی دیگر، فردای همزیستی دگرانیشان و دگر باوران باهم.

شهرام قنبری